

با چه چیزی به حضور خداوند بیایم و نزد خدای متعال رکوع کنم؟ آیا با قربانی های سوختنی و گوساله های یک ساله؟ آیا خدا با هزاران قوچ و از دهها هزار نهرهای روغن راضی خواهد شد؟ آیا باید نخست زادگان خود را در عوض گناهانم قربانی کنم؟ ای مرد از آنچه نیکو است تو را با خبر ساخته است، و خداچه چیز از تو طلب می کند بجز اینکه انصاف را به جای اوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدا با فروتنی سلوک نمایی؟

مراسم عبادت حقیقی

یک بیکار در افریقای جنوبی به نام ادین، روزی مادر بزرگ خودش را زیر نظر داشت و دید که او یک عادت خارق العاده ای دارد، او تقریباً هر روز صبح خامه های روی شیر را جمع می کرد در یک لیوان و آن ها را خشک می کرد. ادین چون بیکار بود و هم کنجاو، میخواست ببیند که مادر بزرگ با این خامه ها چه می خواهد بکند. مادر بزرگ در ابتدا از این خامه ها یک قارچی پرورش می داد و آن ها را خشک می کرد و از آن پودریه دست آمده برای پوستش استفاده می کرد به عنوان یک کرم و او معتقد بود که این کرم او را جوان نگه می دارد. این به عنوان یک ایده عالی تجاری به ذهن ادین آمده بود، او سریع دست به قلمی برد و یک تبلیغ برای روزنامه می نویسد، معجزه ی هفتم، و او این معجزه را کرم مادر بزرگ می نامد: کرم جوان کننده، معجزه می افزیند. او این قارچ را هم توضیح می دهد: علاقه مندان می توانند در یک تجارت جدید سهیم بشوند، در ضمن این قارچ در خانه پرورش داده می شود و از آن قارچها این پودر بدست می آید. ادین این پودر را به شما ارسال خواهد کرد، پاکت اول \$ 50 ولی شما با پرورش این قارچها در خانه و ارسال هر پاکت بهمن \$ 10 بدست می آورید و شما با همان پاکت اول این کار را ادامه می دهید و صاحب یک تجارت جدید می شوید. در عرض یک هفته شما می توانید این تجارت سودآور را آماده کنید و در قرعه کشی یک مسافرت زیارتی برنده شوید. این ایده ادین مثل کبریتی که به انبار کاه بزنند در آفریقا و در آمریکا گسترش یافت. او دیگر یک زندگی ساده نداشت بلکه یک دفتر واقعی با کلی کارمند داشت. مردم این پودر را می خریدند و خیلی ها هم این پودر را دور می ریختند. فامیل های او این راز کرم را می دانستند که او از کرم مادر بزرگ سوئی استفاده می کند. همه جا دانشجو و بیکار و بازنشسته هست و طبیعی هست که خانواده ها اتاق هاشون رو از این پودر پر کرده بودند. او یک سیستم هر می دروغین راه اندازی کرده بود مثل گولدکوئست. او میلیونر شد با کرم مادر بزرگ، ولی واقعاً این کرم چی بود؟ یک قارچ بی ارزش! این جور چیزها را در مورد قوم اسرائیل ما در انجیل خواندیم. آن ها هم همچین سیستم هر می بی فایده ای داشتند، آن ها حیوانات را می سوزاندن تا بوی آن ها در آسمان بیچد و دیگران بفهمند این ها قربانیان اسرائیلی هاست برای خداوند. این سیستم به همان سادگی و دروغین بود که مردم با ظاهر سازی کردن و با دادن این قربانی ها به رهایی برسند و این تمام مراسمی بود که عبادت خدا مشهور بود. ولی در این مراسم واقعاً چه اتفاقی می افتاد؟ همه چی بود بجز خدا!!! فقط ظاهر سازی بود. از نظر قلبی این ادما هیچ ارتباطی با خداوند نداشتند. مراسم آن ها در واقع عبادت نبود و آن ها دور از خدا بودند. این مراسم در واقع نفع شخصی داشت برای سیاسیون و ساختار قدرت تا پیشرفت داشته باشند تا بتوانند خودنمایی کنند. اگر این طور است و این فقط یک نقش بازی کردن است، پس چی درست است و چی غلط، معلوم نیست. کلام روشن خدا با این کار تاریک شد چون آن ها خواست انسانی را جایگزین خواست خداوند کردند و این خیلی بعد از ایده ادین نبود که کسی آمد و همین ایده را برای قربانیان برای فرزند اول هر خانواده برقرار کرد. این مسأله می تواند خیلی مؤثر باشد در حوضه خصوصی افراد، مثل یک معامله با خدا می ماند برای التماس زندگی، اگر ما مراسم عبادتمان به این صورت است. برای بعضی شکم مهم است و برای بعضی لذت و اینکه آن ها بخاطر این شهرت می خواستند فرزندان نخستشان را هم قربانی کنند! این چرت و پرت نیست بلکه یک دلیل برای وجود پلیدی است و ما می توانیم آن را ببینیم که چقدر وحشتناک است این مسأله و این جریان یک باتلاق وحشتناک است. در این زمان هم ما این چیزها را شاهدی. محمد در ابتدا حق داشت که به خدای یگانه ی فلسطینی های آن دور و بر اشاره کرد، کسی که خالق این جهان است ولی در آن هنگام که او یک سیستم نظامی و سیاسی را با سو استفاده از این خدا بنا کرد به خطا رفت. او از جهاد به عنوان راهی به بهشت اشاره می کند و حتی در صورت مرگ در این راه این ادما به بهشت می روند، این جمله چقدر وحشتناک می تواند باشد و ما این مسأله رو امروز هم می بینیم، تا الان هزاران نفر در این راه جهاد می میرند و همان سیستم هر می قربانیان رو بیان می کند. در جنگ ایران و عراق همین روش استفاده کرده شد، خیلی از بچه ها در این جنگ بودند به عنوان ابزار کلیدی عمل می کردند. و به آن ها وعده بهشت داده شده بود. خدا می خواهد ما را از این رنجها حفاظت کند. بنابراین همانطور که خداند میخائیل را به نام خودش فرا خواند، قوم او هم باید به او گوش دهند و ما نیز باید همیشه به او گوش دهیم. خدا این را به تو گفت که انسان چه چیزی خوب است و خدا چه چیزی از تو می خواهد، کلام خدا را نگه دارید و عشق را تمرین کنید و در مقابل خدا بی ریا باشید. سه معجزه ای هستند که خدا به ما می دهد. کلام میکاه در تاریکی به آن ها تابید و خورشید کلام خدا و خواست او باقی ماند. ما همیشه باید به او گوش کنیم و به هم محبت کنیم، ما باید مراسم عبادت خدا را بر پا کنیم و کلامش را سرمشق قرار دهیم. ما در کلیسا کلام خدا را می شنویم و در ارتباط با انسان ها هستیم. قدرت ما از خداوند است نه از خودمان، کلیسا به خواسته های انسانی بستگی ندارد. وقتی اصل قضیه را پنهان کنیم مشکلات ما هم مجهول می ماند. و ما ادامه راه را دیگر نمی توانیم ببینیم و فقط مسائل روزمره اجتماعی و سیاسی باقی خواهد ماند و در نتیجه ما که قادر نیستیم بفهمیم چرا ما در مراسم عبادت هستیم و نمی توانیم باعث ادامه دادن کلام خدا بشویم. با این کار کلام خدا در ما از بین می رود و محبت خدا در ما ادامه دار نمی ماند، ولی حقیقت این است که ما الان در جایی هستیم که اسرائیلی ها بودن. رئیسان کلیسا می گویند کلام خدا

فقط برای آن زمان بوده و آن‌ها را تغییر می‌دهند. امروزه خیلی از انسان‌ها بدون شنیدن کلام خدا می‌میرند. کلیسا با کلام خدا شروع می‌شود و کلام او همه چیز را روشن می‌کند او بر تاریکی‌ها چیره می‌شود. اینجا فقط گفته شده که انسان تو باید کلام خدا را نگه داری. ما نمی‌توانیم به قدرت خودمان تکیه کنیم برای این کار و مقدسات را در ذهنمان بنا بر فرهنگمان تغییر دهیم، وقتی اینطور می‌شود باعث می‌شود ما به حقیقت نرسیم و در آخر برای جنگ با نفس خودمان نیرویی نداریم. مثلاً در مسائل ساده بحث می‌کنیم که کلیسا را چه رنگی بزنیم یا ... و این‌ها همیشه بوده و بدین ترتیب راه حقیقی گم می‌شود. برای غلبه بر این مشکلات باید کلام خدا را نگه داریم و تکرار کنیم. می‌کاه به ما با این سه اصل کلید ورود به آسمان را می‌دهد. ما باید آرام و مطیع باشیم و در مقابل خواست خدا مطیع باشیم و باید او را ستایش کنیم و این کار با دعا انجام می‌شود. دعاهایی مثل ملکوت تو بیاید، نام تو مقدس باد و ... عیسی این‌ها را به ما اموخت. اجتماع ما برای همه انسان‌ها دعا می‌کنند و کلام خدا همیشه تکرار می‌شود و این‌ها کلام خدا هست نه انسان، دعا برای همه بچه‌های خداوند و ما می‌توانیم با این کار شیطان را دور کنیم و کلام خدا مثل یک گوشواره در گوش ما می‌ماند. ما در پیروزی‌هایمان باید خدا را ببینیم و آن را به خودمان نسبت ندهیم چون اوست که قادر مطلق است و قدرت همه چیز از اوست و ما از او زندگی می‌گیریم و اوست که به ما یاری می‌دهد. و این مراسم عبادت ماست برای خالق که کلیسا و تمام دنیا را آفرید. این هست قدرت ما امین